

پرسش‌های اساسی!

معرفی می‌کند. در اصل ۱۷۷ طرف مشورت رهبری در بازنگری اساسی می‌شود... پرسش این است که گسترده شدن دامنه وظایف و اختیارات مجمع تشخیص مصلحت چه رابطه‌ای می‌تواند با افزوده شدن اختیارات رهبری در قانون اساسی سال ۶۸ داشته باشد؟ آیا می‌توان بسط اختیارات مجمع را در راستای اعمال ولایت مطلقه فقیه مندرج در اصل ۵۷ قلمداد نمود؟

◀ پرسش پنجم - در اصل ۷۶ قانون اساسی آمده است که مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد، استثنایی هم برای آن قید نکرده است. در حالی که مصوبه اخیر مجمع تشخیص مصلحت، نهادهای تحت نظارت رهبری را از دایره شمول این اصل از قانون اساسی خارج کرد و در واقع حق قانونی مجلس را نادیده گرفت. پرسش نخست این است که آیا مجمع تشخیص مصلحت می‌تواند از زاویه مصلحت نظام، قانون اساسی را نقض کند؟ پرسش دوم این است که علی‌رغم این که مقام رهبری از این مصوبه ابراز نارضایتی کردند (آن طور که در جراید منعکس شد) و پیشنهاد این مصوبه نیز از سوی رهبری نبوده است، مجمع چگونه رأساً این موضوع را تصویب کرده است؟ آیا چنین رویه‌ای از اصل ۱۱۲ قانون اساسی قابل استنتاج است؟

البته آقای هاشمی در دفاع از این مصوبه گفت: «لزومی ندارد که در این قضایا نظر رهبری حتماً پرسیده شود» (قریب به این مضمون). البته او در مذاکرات شورای بازنگری سال ۶۸ نیز گفته بود: «نظری که مجمع تشخیص مصلحت می‌دهد، بدون تأیید رهبری نیز می‌تواند لازم‌الاجرا باشد» (مشروح مذاکرات، ج ۲، ص ۸۵۰).

◀ پرسش ششم - در اصل ۱۷۷ قانون اساسی مصوب سال ۶۸ آمده است که بازنگری در قانون اساسی، با پیشنهاد مواد مورد نظر، با نظر رهبری و مشورت مجمع تشخیص مصلحت امکان‌پذیر خواهد بود. با توجه به این که شورای نگهبان در اصل چهار، وظیفه تطبیق قوانین با موازین اسلامی و در اصل ۹۸ تفسیر قانون اساسی را به عهده دارد، آیا پیشنهاد بازنگری قاعدتاً نباید به شورای نگهبان محول می‌شد؟

◀ پرسش هفتم - مفهوم مصلحت به لحاظ ایدئولوژیک چگونه تبیین می‌شود؟ آیا به تعبیر مرحوم نائینی به اموری گفته می‌شود که نصی در رابطه با آن وجود ندارد؟ آیا به تعبیر مرحوم صدر، مصلحت در حوزه منطقه‌الفراغ است؟ آیا به تعبیر مرحوم امام خمینی نقش زمان و مکان در اجتهاد است یا...؟

◀ پرسش هشتم - آیا می‌توان از دیدگاه استراتژیک، وظایف و اختیارات مجمع تشخیص مصلحت را شکستن مطلقیت اصل چهار تلقی کرد. آن هم به این منظور که بعد از سال ۶۸ راه برای تغییر سیستم و رابطه با سرمایه‌داران مدرن هموار شود؟

در مجموع سه جلسه از ۴۱ جلسه شورای بازنگری قانون اساسی که به بحث پیرامون مجمع تشخیص مصلحت اختصاص می‌یابد، نظرات گوناگون و مباحث مختلفی مطرح می‌شود که در نهایت به تصویب اصل ۱۱۲ قانون اساسی می‌انجامد.

این روزها در رابطه با جایگاه مجمع تشخیص مصلحت در قانون و جامعه، سنوالات متعددی مطرح است. ابتدا پرسش‌هایی که توسط نشریه چشم‌انداز ایران تدوین و طراحی و برای صاحب‌نظران ارسال کرده است، از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد. از آن جا که صاحب‌نظران گرامی به برخی از این پرسش‌ها پاسخ داده‌اند، جهت درک بهتر مطلب، اصل سنوالات نیز به همراه پاسخ، مجدداً از نظر تان می‌گذرد.

◀ پرسش اول - در رابطه با ضرورت شکل‌گیری مجمع تشخیص مصلحت، امام (ره) طی نامه‌ای در تاریخ ۶۶/۱۱/۱۷ به سران سه قوه به این نکته اشاره می‌کنند که این مجمع برای حل اختلاف مجلس و شورای اسلامی و شورای نگهبان تشکیل شده است؛ با این حال در ذیل همین نامه می‌گویند: «اعضای این شورا (نگهبان) باید قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند» که می‌تواند به این معنا باشد که امام مایل بوده‌اند با انجام تحول در اندیشه و بافت شورای نگهبان، مصلحت نظام در خود این مجموعه در نظر گرفته شود و کار به تشکیل نهادی به اسم مجمع تشخیص مصلحت نکشد. در حالی که آقای شیخ محمد یزدی در شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸ می‌گوید: «شورای نگهبان حق مصلحت‌اندیشی ندارد.» (صورت مشروح بازنگری، ص ۸۳۸، ج ۲).

پرسش این است که با توجه به ویژگی‌های قانون اساسی آیا شورای نگهبان ماهیتاً می‌تواند محل تشخیص مصلحت باشد؛ به گونه‌ای که در تطبیق مصوبات مجلس با قانون اساسی و شرع، عنصر مصلحت لحاظ گردد؟

◀ پرسش دوم - مصلحت نظام چه تفاوت ماهوی با احکام ثانویه دارد؟ چرا که در روی آوردن به احکام ثانویه نیز با رعایت مصلحت از حکم اولیه عدول می‌شود؛ مانند کسی که برای نجات از مرگ، مجاز به خوردن گوشت مردار می‌شود.

◀ پرسش سوم - با توجه به این که شما در آن مقطع، شاهد بسیاری از این مباحثات بوده‌اید، چه استدلال‌هایی را از طرفین دعوا در رابطه با حدود احکام اولیه و ثانویه زیر بنایی قلمداد می‌کنید؟ آیا استعفای آقای صافی گلپایگانی را نمی‌توان اعتراض به لرزان شدن احکام اولیه در مورد قانون‌گذاری دانست؟

◀ پرسش چهارم - بر اساس نامه امام در سال ۶۶ و همچنین جو غالب مذاکرات شورای بازنگری، ضرورت تشکیل مجمع تشخیص مصلحت به حل اختلاف مجلس شورا و شورای نگهبان باز می‌گردد. در حالی که در بازنگری سال ۶۸ شرح وظایف مجمع تشخیص مصلحت از این ضرورت فراتر می‌رود؛ به گونه‌ای که علاوه بر نقش خود در حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان مندرج در اصل ۱۱۲، در اصل ۱۱۰ بند ۸ با پیشنهاد رهبری، اجازه قانون‌گذاری پیدا می‌کند. در اصل ۱۱۱ بعد از فوت رهبر یا عزل او، یکی از فقهای شورای نگهبان را برای شرکت در شورای موقت رهبری